

سواد رسانه‌ای درس زندگی اکنون و آینده

گام بلند برنامه‌درسی
در جهت انطباق با مقتضیات اجتماعی



فریبرز بیات

بی‌شکل که امکان کنترل و مهار آن‌ها وجود ندارد، بی‌سر و بی‌رهبر هستند و امکان ضربه‌پذیری و کنترل خود را به حداقل رسانده‌اند، محصول چنین فضایی است.

اکنون رسانه‌ها به مؤلفه ساختاری جامعه تبدیل شده‌اند و در کنار سه مؤلفه «جهانی شدن»، «فردی شدن» و «تجاری شدن» باید از «رسانه‌ای شدن» نیز به‌عنوان یک مؤلفه کلان نام برد که دنیای آینده ما را شکل می‌دهند. به همین دلیل نیز مبارزه و کشاکشی بین دولت‌ها و گروه‌های اجتماعی بر سر کنترل رسانه‌ها و به تعبیر دیگر، کنترل اذهان در جریان است. با وجود این، درحالی‌که اطلاعات همه چیز را کنترل می‌کند، خود سیال و غیرقابل کنترل است و همین موضوع را بسیار پیچیده و غامض می‌کند.

در دنیای رسانه‌ای شده، اطلاعات پیش از آنکه به شکل متن باشد، با هنر، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست و اقتصاد درآمیخته و در قالب کدهای نمادین، جنبه «فیگورال» (صورت‌دار) پیدا کرده است. این شیوه‌های جدید رمزگذاری پیام، تشخیص و تفکیک اطلاعات از ضد اطلاعات یا آگاهی کاذب و دروغین را بس مشکل و پیچیده می‌کند. در چنین فضایی است که مفهوم «سواد

حدود نیم‌قرن پیش **الوین تافلر** در کتابی با عنوان «شوک آینده» هشدار داد که جهانیان باید خود را برای تغییر و تحولات بی‌سابقه و نوپیدی آماده کنند که در سایه رشد و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌وقوع می‌پیوندد. وی این تحولات را در دو کتاب دیگرش با عنوان‌های «موج سوم» و «جابه‌جایی قدرت» - که کنایه از تغییر منبع قدرت از کار، مالکیت زمین، سرمایه و قدرت نظامی به «دانش و اطلاعات» است - پی گرفت.

محل تجلی و منصفه ظهور و بروز این قدرت جدید رسانه‌های نوین، اینترنت، فضای مجازی، شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای، روزنها، سایت‌ها و وبلاگ‌هاست. آنچه تافلر از آن به‌عنوان «شوک آینده» یاد می‌کرد، اکنون به وقوع پیوسته است. امروز رسانه دیگر یک ابزار صرفاً فناورانه نیست. زبان، فرهنگ و محیطی است که ما با آن به دنیا می‌آییم و با آن از دنیا می‌رویم. بدون رسانه زندگی دشوار و شاید بی‌معنی است. از همین نظر، رسانه‌ها قدرت مسلط و موتور تحولات و تغییرات اجتماعی دنیای آینده محسوب می‌شوند. بسیاری از تحولات و جنبش‌های اجتماعی حول چنین فضایی در حال شکل‌گیری است. جامعه شبکه‌ای و جنبش‌های ژلاتینی و

اطلاعاتی» و «سواد رسانه‌ای» شکل می‌گیرد و ضرورت برخورداری از چنین سواد برای زندگی فعال، مسئولانه و خلاقانه در دنیای جدید مطرح می‌شود.

سواد رسانه‌ای مهارتی است که به رمزگشایی و معنایابی پیام‌های رسانه‌ای از سوی مخاطب کمک می‌کند و به او امکان‌پذیرش، انتخاب، نقد و ارزیابی یا انتخاب یک رژیم رسانه‌ای مناسب از میان انبوه اطلاعات، نمادها، تصویرها، شکل‌ها، عددها و کدها را می‌دهد. به‌طور کلی، سواد رسانه‌ای در پی ایجاد چارچوبی ذهنی برای پاسخ‌گویی به پنج سؤال کلیدی زیر در رابطه با پیام‌های رسانه‌ای است:

۱ چه کسی پیام را تولید کرده است؟

۲ چه روشی برای جلب توجه مخاطب به پیام استفاده شده است؟

۳ چگونه درک افراد مختلف از یک پیام واحد متفاوت است؟

۴ چه ارزش‌ها، سبک زندگی و عقایدی در پیام ترویج یا از آن حذف شده است؟

۵ هدف از ارسال پیام به مخاطب چیست؟

در چنین شرایطی چند سؤال اساسی و مهم پیش روی نظام‌های اجتماعی، و زیرنظام‌های آموزشی و سیاسی خودنمایی می‌کند: آیا رسانه‌های نوین یکسره رهایی‌بخش هستند یا برعکس می‌توانند به تحریف واقعیت، آگاهی کاذب، و سلطه و تحمیل بینجامند؟

۶ آیا شهروندان از سواد رسانه‌ای لازم برخوردارند؟

۷ آیا معنی و مفهوم سواد رسانه‌ای برای فراگیرندگان و دانش‌آموزان روشن شده است؟

۸ آیا سواد رسانه‌ای به دوره سنی خاصی محدود می‌شود؟

از چنین منظری، آموزش سواد رسانه‌ای مدت‌هاست در برنامه آموزشی کشورهای گوناگون قرار گرفته است. در ایران نیز از سال ۱۳۹۱ مباحثی در زمینه آشنایی با رسانه‌ها در کتاب‌هایی چون «مطالعات اجتماعی» و «تفکر و سبک زندگی» مطرح شده‌اند. اما اکنون با قرار گرفتن درس سواد رسانه‌ای در ردیف درس‌های اختیاری و تألیف کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای»، درمی‌یابیم که نظام آموزش رسمی به اهمیت و جایگاه رسانه‌ها در شکل‌دهی به شخصیت افراد و زندگی اجتماعی بیش از پیش واقف شده است. به همین دلیل، تولد این درس و کتاب آن را باید به فال نیک گرفت و آن را گامی بلند و آینده‌نگرانه در برنامه‌های آموزشی تلقی کرد.

البته مانند هر تجربه جدید و کار نویی، این اقدام نیز خالی از نقص و نقد نیست. ولی کاستی‌ها به مرور و با همکاری معلمان و دبیران و اصحاب رسانه و دانش‌آموختگان این رشته رفع خواهند شد. از جمله موارد مطرح در این زمینه، جهت‌گیری کتاب به سمت رسانه‌شناسی و پرهیز از نگاه آسیب‌شناسانه صرف است که به «رسانه هراسی» خواهد انجامید. عمومی و ساده‌سازی مباحث و مفاهیم تخصصی رسانه‌ها در سطح دانش و بینش دانش‌آموزان، و نیز رعایت ترتیب و توالی منطقی مباحث، از جمله موارد دیگری

است که تلاش بیشتری را از مؤلفان می‌طلبد.

علاوه بر این‌ها، تربیت مدرسان این کتاب نیز از جمله مواردی است که باید به‌طور جدی برای آن برنامه‌ریزی کرد. چرا که با توجه به نوع محتوا، به‌نظر نمی‌رسد حتی معلمان علوم اجتماعی که آشنایی بیشتری با این مباحث دارند، به‌راحتی بتوانند عهده‌دار تدریس این کتاب شوند.

اما با تمام این کاستی‌ها، قرار گرفتن درس سواد رسانه‌ای در کنار سایر درس‌های رسمی و تألیف کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای گام بلندی است که نظام آموزشی از جهت روزآمدسازی و انطباق برنامه‌های درسی با مقتضیات زندگی اجتماعی حال و آینده برداشته و شایسته تقدیر و تشکر است.

امید است معلمان و دبیران علوم اجتماعی، از یک سو نسبت به کسب آمادگی‌های لازم برای تدریس این درس اقدام کنند و به تقویت و روزآمدسازی دانش و مهارت‌های خود در زمینه رسانه‌ها بپردازند، و از سوی دیگر، با جمع‌بندی و تجربه تجربه‌های خود در تدریس این درس جدید و مشخص کردن نقاط ضعف و کمی و کاستی‌های آن، در جهت تقویت، تکمیل و تصحیح آن همت گمارند.